

# آیا طبق شریعت یهود، عیسی توسط لمس یک زن بیمار، نجس شد؟ (مرقس فصل ۵ آیات ۲۵-۲۶)



آیا طبق شریعت یهود، عیسی توسط لمس یک زن بیمار، نجس شد؟ (مرقس فصل ۵ آیات ۲۵-۲۶)

زنی دچار بیماری لاعلاجی شده بود که باعث می شد دائماً خونریزی داشته باشد. این خونریزی ممکن است از مجاری تناسلی یا ادراری بوده باشد که به هر حال او را از نظر شرعی نجس می ساخت (لاویان فصل ۱۵ آیات ۲۵-۲۷) و مانع ارتباط او با سایر یهودیان می شد. طبق شریعت یهود، اگر خونریزی عادت ماهانه بیش از حد معمول جریان داشته باشد یا در طول ماه، بی موقع عادت ماهانه زن شروع شود، در آن مدت زن روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند، درست مثل دوره عادت ماهانه عادی نجس خواهد بود. هر شخص به رختخواب آن زن یا به چیزی که او

روی آن نشسته باشد، دست بزند، نجس خواهد شد و باید لباس خود را بشوید و غسل کنید. او تا غروب به طور شرعی نجس خواهد بود.

مقصود خدا این نبود که زن به خاطر عادت ماهانه اش محکوم یا تنبیه شود، زیرا خداوند او را چنین آفریده بود تا بتواند صاحب فرزند شود. این مقررات فقط نشان می دهد که ترشح زن او را نجس می ساخت، در نتیجه ممکن بود دیگران را نیز نجس سازد. زن در مدت عادت ماهانه و تا یک هفته بعد از آن ناپاک محسوب می گردید و می بایستی مراقب محل نشستن، خوابیدن و تماس های خود می بود. اما این محدودیت به یک معنا موجب برکت او نیز بود، زیرا این امکان را فراهم می ساخت که او به استراحت بپردازد. اگر شوهر او از لحاظ جنسی تمایلاتی قوی داشت، این قانون موجب می شد که مرد نتواند در زمانی که برای زن روابط جنسی خوشایند نیست، از او سوءاستفاده کند.

اگر مدت خونریزی زن طولانی می شد، از نظر جسمانی برای او رنج آور و از نظر مذهبی مصیبت بار بود، زیرا او برای همیشه نجس محسوب می شد. زن ناشناس نزد عیسی آمد تا از او شفا بگیرد. او مدت دوازده سال مبتلا به خونریزی بود. جالب این که مردم زیادی اطراف عیسی بودند و هر کدام از آن ها دانسته یا نادانسته، توسط این زن الوده و نجس می شدند.

آن زن مبتلا به خونریزی بود و این بیماری لاعلاج، به تدریج زندگی او را به سوی نابودی می کشانید. می توان تصور کرد که رنج و فشار روحی ناشی از این بیماری چگونه روز به روز قوای جسمانی او را به تحلیل می برد. از طرفی، همان طور که اشاره شد طبق احکام شریعت، آن زن کاملاً ناپاک محسوب می شد و این مشکل به شدت زندگی مذهبی و اجتماعی او را با محدودیت مواجه کرد. واقعا چه زندگی دشوار و اسف انگیزی داشت.

به هر حال او اجازه نداد که ازدحام جمعیت و یا هیچ مشکل دیگر، مانعی میان او

و عیسی باشد. به طور حتم آن زن می توانست دلایل زیادی برای نرفتن به سوی عیسی داشته باشد و خود را توجیه کند. مثلاً به خود می گفت که من لیاقت ندارم که توجه و کمک عیسی را طلب کنم. یا ببین، الان یایروس، رئیس کنیسه نزد او آمده و این زمان مناسبی نیست که من با عیسی درباره مشکل سخن بگویم. آن زن می توانست خود را مجاب کند که زحمات زیادی کشیده و نتیجه نگرفته است، پس چرا باید دوباره تجربه کند؟ اما آن زن تمام توجیه ها و عذر و بهانه ها را کنار زد و با ایمان به سوی عیسی رفت.

ایمان این زن چگونه بود؟ ایمانی ضعیف و تا حدی خرافی. او به خودش گفت: "اگر تنها لباس عیسی را لمس کنم، شفا خواهم یافت".

در نتیجه، او مایوس و تهیدست باز نگشت: عیسی او را احترام کرد، ایمان ضعیف او را پذیرفت و بیماری او را شفا داد. در این روایت درس مهمی برای هر یک از ما وجود دارد: همه ما از ایمان در یک درجه مساوی برخوردار نیستیم، اما عیسی به ایمان ما صرفنظر از ضعیف بودن آن پاسخ می دهد. زمانی که ما ایمان می آوریم، او قدرت خود را جاری خواهد کرد و معجزه در زندگی ما اتفاق خواهد افتاد.

معجزه شفای زن آنقدر سریع رخ داد که نتوانست عیسی را از نظر شرعی نجس و ناپاک کند.

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ